

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه اصفهان
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی

ریخت شناسی اشعار حماسی حمید سبزواری و علی موسوی گرمارودی

استاد راهنما:
دکتر محمدرضا نصر اصفهانی

استاد مشاور:
دکتر غلامحسین شریفی

پژوهشگر:
فاسمعلی درویشی

مهرماه ۱۳۸۸

ب

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات، ابتکارات
و نوآوری های ناشی از تحقیق موضوع این پایان نامه
متعلق به دانشگاه اصفهان است.

تقدیم اثر:

تقدیم به شاعران متعهد، درد آشنا
وسرایندگان شعر همدار و خدایی
تقدیم به مادر و همسر، آن فرشته خویان بهشتی

سیاسگزاری:

ستایش بود ویژه کردگار
که برعالمین است پروردگار

•

چکیده:

این نوشتار بر آن است تا با تکیه به یکی از روشهای نوین نقد ادبی؛ یعنی ریخت شناسی، به تقسیم بندی عناصر و اجزاء سازنده اشعار حماسی دو تن از شعرای معاصر، حمید سبزواری و علی موسوی گرمارودی و تحلیل آنها بپردازد. این طرز نسبتاً تازه که از بهترین ابزارها برای درک بلاواسطه و تقریباً بی نیاز به خالق آثار ادبی قلمداد می گردد، دایره بر دسته بندی عناصر بر اساس مقاصد مختلف متکلم و مخاطب است که هم راه را برای وصول سریع به جامعیه های کلام باز می کند و هم نوع اندیشه و میزان توانایی گوینده را برای پروردگی و ارائه آن تبیین می کند. همچنین ضمن اشاره به احوال و آثار دو شاعر به فضای حاکم بر ادبیات آن دوران که به «ادبیات مقاومت» معروف شده است اشاره می کند، چه دارای واژگان، اصطلاحات و تعبیرات خاصی است که مختصاتی از زبان راء، به عنوان بستر شعر، معرفی می کند. حقیقت این است که حضور همین واژگان خاص و این تعبیرات و تصاویر بدیع که سبب آنها عمدتاً اندیشه های روشنفکرانه و اعتراض آمیز سیاسی- اجتماعی است. ضرورت تحقیق و تأمل در آثار ادبی این رویداد را نمایان می سازد.

کلید واژه ها: ریخت شناسی، شعر حماسی، ادبیات مقاومت، شعر معاصر، حمید سبزواری، علی موسوی گرمارودی.

پیشگفتار

فصل اول: کلیات مسأله مورد پژوهش

۱-۱ شرح و بیان مسأله	۱
۲-۱ کلید واژه ها	۴
۳-۱ اهداف پژوهش	۶
۴-۱ فرضیات و پرسش ها.....	۶
۵-۱ پیشینه تحقیق	۶

فصل دوم: نوع ادبی حماسه و ریخت شناسی شعر

۱-۲ تعریف حماسه	۹
۱-۱-۲ تقسیم بندی منظومه های حماسی	۱۰
۲-۱-۲ ویژگی های منظومه حماسی و عناصر آن	۱۱
۳-۱-۲ منشأ پیدایش حماسه ملی	۱۴
۴-۱-۲ رابطه شعر حماسی و شعر غنائی.....	۱۴
۲-۲ ریخت شناسی شعر	۱۶
۱-۲-۲ ارتباط موسیقی و شعر	۱۹
۲-۲-۲ عاطفه در شعر.....	۲۱
۳-۲-۲ زبان شعر.....	۲۲
۴-۲-۲ صور خیال.....	۲۴
۵-۲-۲ اندیشه شعری.....	۲۵
۶-۲-۲ فرم بیرونی شعر.....	۲۸
۷-۲-۲ شکل ذهنی شعر.....	۲۸
۸-۲-۲ سنت شکنی.....	۳۰
۹-۲-۲ شتاب	۳۰
۱۰-۲-۲ تغییر جهان بینی.....	۳۰
۱۱-۲-۲ تغییر ذوق جمعی.....	۳۱

عنوان	صفحه
۱۲-۲-۴ مشغله زیاد، وقت کم، سرگرمی فراوان.....	۳۱
فصل سوم: ادبیات (شعر) مقاومت	
۱-۳ علل ظهور شعر مقاومت	۳۳
۲-۳ ویژگی های برجسته شعر مقاومت.....	۴۳
۱-۲-۳ ظهور واژه ها و عناصر جدید.....	۴۳
۲-۲-۳ قابل ارائه در تمام قالب ها.....	۴۴
۳-۲-۳ مضمون عرفانی - حماسی.....	۴۶
۴-۲-۳ گرایش به صراحت، کمرنگ شدن تخیل و نزدیکی شعر به شعار.....	۴۷
۵-۲-۳ محتوی و پیام متعهدانه.....	۴۹
۶-۲-۳ اندیشه و هنر ارزشی.....	۵۱
۷-۲-۳ خلق درون مایه های جدید.....	۵۱
۸-۲-۳ تقسیم شعر مقاومت به دو شاخه شعر مذهبی و شعر خلقی و چپ گرا.....	۵۳
۳-۳ شعر انقلاب آمیخته با شعر مقاومت.....	۶۰
۴-۳ رابطه شعر جنگ با ادبیات مقاومت.....	۵۸
۵-۳ جایگاه ادبیات مقاومت در متون اسلامی.....	۵۹
۶-۳ مؤلفه های شعر پایداری (مقاومت).....	۶۲
فصل چهارم: در احوال و آثار و مختصات دو شاعر	
۱-۴ حمید سبزواری	۶۳
۱-۱-۴ مراحل زندگی حمید سبزواری.....	۶۳
۱-۱-۴ روایت شاعر از زندگی خود.....	۶۳
۲-۱-۴ شروع شعر و شاعری	۶۴
۳-۱-۴ تحصیلات	۶۵
۴-۱-۴ چگونگی شکل گیری شخصیت شعری و شاعری سبزواری.....	۶۵
۲-۱-۴ سبک و انواع شعر سبزواری.....	۶۷
۳-۱-۴ سبزواری و شعر نو	۶۸
۴-۱-۴ آثار حمید سبزواری.....	۶۹
۵-۱-۴ ویژگی های شعری سبزواری.....	۷۴
۱-۵-۱-۴ رنگ مذهبی قوی در شعر او	۷۵

عنوان	صفحه
۲-۵-۱-۴ آینده نگری	۷۵
۳-۵-۱-۴ شعر بر محور مبارزه با دشمن	۷۶
۴-۵-۱-۴ شعر طبیعی و بدون تکلف و با صفا و صمیمیت	۷۶
۵-۵-۱-۴ شور انقلابی و انتقام	۷۶
۶-۱-۴ صنایع شعری در اشعار سبزواری	۷۷
۷-۱-۴ عناصر مهم حماسی و حماسه ساز در شعر سبزواری	۷۷
۸-۱-۴ تأثیر پذیری سبزواری در بکاربردن واژه های حماسی از شاهنامه	۷۸
۲-۴ علی موسوی گرمارودی	۷۹

فصل پنجم: ریخت شناسی (ویژگی های زبانی و معنایی) اشعار حماسی حمید سبزواری و علی

موسوی گرمارودی

۱-۵ زبان تازه	۹۰
۱-۱-۵ نهضت ترکیب سازی	۹۲
۲-۱-۵ جستجوی قافیه و ردیف نو	۹۵
۳-۱-۵ بهره گیری از اسطوره ها	۹۷
۴-۱-۵ تعابیر و تصاویر خاص جنگ	۹۹
۵-۱-۵ گستره واژگان	۱۰۲
۱-۵-۱-۵ اعلام	۱۰۳
۲-۵-۱-۵ واژه ها و اصطلاحات نظامی	۱۰۴
۳-۵-۱-۵ واژه های احیا شده جنگ قدیم	۱۰۵
۴-۵-۱-۵ ترکیب سازی با استفاده از اصطلاحات جنگ	۱۰۶
۵-۵-۱-۵ اصطلاحات و واژه های جدید جنگ	۱۰۷
۶-۵-۱-۵ واژه ها و اصطلاحات انقلابی و مذهبی	۱۰۸
۱-۵-۱-۶ الفاظ و اصطلاحات انقلابی	۱۰۸
۲-۶-۵-۱-۵ الفاظ و اصطلاحات مذهبی	۱۰۹
۶-۱-۵ اهمیت قالب ها	۱۰۹
۱-۶-۱-۵ قصیده	۱۱۰
۲-۶-۱-۵ غزل	۱۱۲
۱-۶-۱-۵ فراوانی قالب غزل و غزل سرایان	۱۱۳

عنوان	صفحه
..... ۲-۲-۶-۱-۵ نظم عمودی غزل	۱۱۴
..... ۳-۲-۶-۱-۵ غزل های حماسی	۱۱۴
..... ۴-۲-۶-۱-۵ غزل روایی (غزل - داستان)	۱۱۶
..... ۵-۲-۶-۱-۵ استفاده از وزن های بلند	۱۱۷
..... ۶-۲-۶-۱-۵ تلاش برای بیان صمیمانه	۱۱۸
..... ۳-۶-۱-۵ مثنوی	۱۱۸
..... ۱-۳-۶-۱-۵ به کارگیری وزن های بلند	۱۲۰
..... ۲-۳-۶-۱-۵ قافیه های روان و جاندار	۱۲۰
..... ۳-۳-۶-۱-۵ استفاده از قافیه های متعدد	۱۲۱
..... ۴-۳-۶-۱-۵ رعایت ترجیع در مثنوی	۱۲۲
..... ۵-۳-۶-۱-۵ التزام ردیف	۱۲۲
..... ۴-۶-۱-۵ رباعی	۱۲۲
..... ۱-۴-۶-۱-۵ حماسه	۱۲۳
..... ۲-۴-۶-۱-۵ شهید و شهادت	۱۲۴
..... ۳-۴-۶-۱-۵ عاشورا و کربلا	۱۲۴
..... ۴-۴-۶-۱-۵ مرگ اندیشی	۱۲۵
..... ۵-۶-۱-۵ چارپاره	۱۲۶
..... ۶-۶-۱-۵ قالب های نو	۱۲۷
..... ۲-۵ ویژگی های معنایی و جان مایه شعر دوره جنگ	۱۳۰
..... ۱-۲-۵ رجز و حماسه	۱۳۰
..... ۱-۱-۲-۵ شعار زدگی	۱۳۱
..... ۲-۱-۲-۵ واقع گرایی	۱۳۳
..... ۳-۱-۲-۵ مقاصد و کارکردهای رجز	۱۳۴
..... ۴-۱-۲-۵ نمادهای حماسی جنگ	۱۳۵
..... ۱-۴-۱-۲-۵ نمادهای اسطوره ای - تاریخی	۱۳۵
..... ۲-۴-۱-۲-۵ نمادهای مذهبی - تاریخی	۱۳۶
..... ۵-۱-۲-۵ ویژگی سروده های حماسی جنگ	۱۳۶
..... ۱-۵-۱-۲-۵ پرهیز از تلاش صرف برای ثبت تاریخ	۱۳۶

عنوان	صفحه
..... ۲-۵-۱-۲-۵ تطبیق تاریخ	۱۳۷
..... ۳-۵-۱-۲-۵ اعمال درشتی هایی در زبان	۱۳۷
..... ۴-۵-۱-۲-۵ پیوند حماسه و عرفان	۱۳۸
..... ۵-۵-۱-۲-۵ حضور حماسه در تمام قالب ها	۱۳۹
..... ۲-۲-۵ ستم ستیزی و حمایت از مظلوم	۱۳۹
..... ۳-۲-۵ صبح و سحر و بیداری	۱۴۰
..... ۴-۲-۵ حضور مذهب و نمادهای آن	۱۴۱
..... ۱-۴-۲-۵ قرآن	۱۴۲
..... ۲-۴-۲-۵ حدیث	۱۴۲
..... ۳-۴-۲-۵ علوم اسلامی	۱۴۲
..... ۴-۴-۲-۵ کتب اسلامی	۱۴۳
..... ۵-۴-۲-۵ شخصیت های مذهبی	۱۴۳
..... ۶-۴-۲-۵ ساخت ترکیب های تجریدی و انتزاعی	۱۴۴
..... ۵-۲-۵ جلوه گاههای حضور و بروز مذهب در شعر جنگ	۱۴۴
..... ۱-۵-۲-۵ عاشورا	۱۴۴
..... ۲-۵-۲-۵ انتظار موعود	۱۴۶
..... ۳-۵-۲-۵ نماز و عبادت	۱۴۶
..... ۶-۲-۵ بهره گیری از الفاظ، اصطلاحات و تعبیرات عرفانی	۱۴۷
..... ۷-۲-۵ پیوند با تاریخ	۱۵۱
..... ۱-۷-۲-۵ تطبیق تاریخ	۱۵۱
..... ۲-۷-۲-۵ تکریم انقلابیون	۱۵۲
..... نتیجه گیری	۱۵۳
..... پی نوشت ها	۱۵۵
..... منابع و مأخذ	۱۵۶

پیشگفتار

حماسه، مضمونی است در ادب و هنر با تاریخی به درازای هویت تاریخی انسان. با نگاه به آثاری که در زمینه حماسه در ادبیات معاصر خلق شده، چه به زبان شعر در قالب کهن یا نو و چه به زبان نثر، ارادتی نسبت به انسان و انسانیت جلوه می کند که خواه ناخواه مخاطب را به یاد جنبه های انسان محوری و انسانیت اندیشی حکیم بزرگ توس می اندازد، تقریباً به همان اندازه ای که فردوسی انسان را مبدء فکرت و فطرت می شمارد، هرچند که واپسین حلقه زنجیر تطور هستی است. بر این باور، ما آدمیان فشرده هر دو جهان ماده و معنا، ملک و ملکوت و شهادت و غییم و همه هستها به انگیزه پیدایی ما موجودیت یافته اند. سخن، البته در این باره بسیار می توان گفت که از موضوع این رساله خارج است و غرض چیز دیگری است. اما چه چیز میان اثر فردوسی و آثار اخلاقی، تا بدین روزگار، فاصله انداخته است؟

جدای از نوآوری و زبان وزین و متین فردوسی و اینکه ایرانیان اثر او را چون شناسنامه فرهنگی خویش می بینند و از این رو دوستش دارند، دلایل دیگری نیز برای این اقبال وجود دارد که برخی از آنها به بافت و ساخت سخن، به ویژه سخن حماسی و برآمده از روح قهرمانی و سلحشوری برمی گردد که برای شناخت آنها روش تازه ای در نقد ادبی نوین به ظهور رسیده است که با سه عنوان ریخت شناسی، شکل شناسی و ساختار شناسی شناخته می شود. بدیهی است که هر متنی، بویژه یک متن ادبی، دارای شکل و سیاق منحصر به فردی است و اشراف بر این شکل و ساخت منوط به آشنایی با اجزاء و ارکان سازنده آن و آگاهی از روابط و پیوندهای موجود میان این ارکان و فهم آنهاست و صرفاً با غور و غوص در ساختار متن و بررسی دقیق آن است که می توان حکم به تعلق آن به یک نوع ادبی کرد و از میان انواع و قالب ها، یکی را از دیگری تمییز داد و در حصار یک زیرمجموعه یا زیر گروه درآورد.

تا پیش از جلوه این نوع از نقد که سرعت درک و دریافت نهاده های گوینده را در اثر خویش مضاعف می کند، تنوع مطالب و موضوعات در آثار مورد پژوهش، همواره یکی از عوامل کنیدی پیشرفت در شناخت آنها بوده است. با این ابزار تازه (ریخت شناسی)، مخاطب می تواند راهی میان بُر برای نیل سریع به اهم مقاصد گوینده بیابد. نگارنده نیز برای شناخت ابعاد حماسی سخن دو شاعر معاصر (حمید سبزواری و علی موسوی گرمارودی) که مورد مطالعه این پژوهش می باشد، روش مذکور را برگزید.

پیش از هرچیز لازم می داند، از باب براعت استهلال، مختصری درباره طرز تازه مورد بحث جهت آشنایی اندک بنویسم.

در ادبیات، ریخت شناسی عبارت از تحقیق در ساختارهای آثار ادبی و شناسایی اشکال و گونه های آنهاست. هر نوع تقسیم بندی در ادبیات که بتواند آثار ادبی را بر اساس مشخصه هایی از یکدیگر ممتاز کند از مقوله ریخت شناسی است. این تقسیم بندی شامل تمام ادبیات به عنوان یک کل، نوعی خاص از ادبیات، شعبه ای ویژه از یک نوع و بالأخره یک اثر ادبی می تواند باشد. اگرچه در این زمینه اختلافاتی وجود دارد، ولی غالباً با تقسیم بندی ولادیمیر پراپ موافقت می کنند که یک ساخت یا اثر ادبی را از نوع به گونه و اجزاء دیگر تقلیل داده و تجزیه می کنند که در جای خود به تفصیل به آن پرداخته می شود. در حقیقت، ریخت شناسی چیزی جز تجزیه ادبیات و تفکیک آثار ادبی از یکدیگر و سرانجام، تقسیم یک اثر ادبی به اجزاء سازنده خویش نیست. وقتی سخن را به نظم و نثر تقسیم می کنیم و در هر یک از این دو جنس به انواع گوناگون قایل می شویم و بعد در هر نوعی نیز گونه های متفاوت با یکدیگر را تشخیص می دهیم کار ما در حقیقت ریخت شناسی سخن است. فی المثل سخن منظوم را به منظومه های غنایی، حماسی، تعلیمی و نمایشی بخش می کنیم، سپس هر یک از این چهار نوع را در طبقات گوناگون جای می دهیم. منظومه های غنایی را به عشقی، وصفی، عرفانی، رئالیات، خمیریات و...، منظومه های تعلیمی را به اخلاقی، فلسفی، دینی، سیاسی و... و منظومه های نمایشی را به تراژدی، کمدی، درام و... تقسیم می کنیم. همینطور وقتی سخن منظوم فارسی را از نظر قالب به غزل، قصیده، مثنوی، ترجیع بند، ترکیب بند، مسمط و... تقسیم می کنیم کار ما از مقوله ریخت شناسی است و چون شعری در قالبی خاص مثلاً قصیده را به اجزاء تشکیل دهنده آن قالب؛ یعنی مطلع، تغزل، تخلص، متن، شریطه و مقطع تقسیم می کنیم باز به گونه ای ریخت شناسی دست زده ایم. (نک. سرامی، ۱۳۸۳: ۴). به هر صورت کار ریخت شناسی آثار ادبی را تا آنجا که اجزاء حاصل از تقسیم بندی و تجزیه، دیگر قابل تجزیه به اجزاء و عناصر جدید نباشند می توانیم ادامه دهیم.

پیدااست که کار ریخت شناسی ادبیات به ریخت، به معنی و مفهوم فرم و قالب منحصر نیست و منظور از ریخت در این صنف از پژوهش ادبی، تنها پاره یا بخشی از ادبیات یا اثر ادبی است که بتواند بالاستقلال مطرح باشد. پژوهش ریخت شناسی، فرم و محتوا، ظاهر و باطن، لفظ و معنی، موضوع و مضمون و دیگر مقولات مندرج در آثار ادبی را در بر می گیرد.

ریخت شناسی هر دسته از آثار ادبی با دسته دیگر متفاوت است. آنچه در ریخت شناسی آثار غنایی مطرح است با آنچه در ریخت شناسی آثار حماسی اتفاق می افتد متفاوت خواهد بود، همانطور که بررسی یک داستان از این دیدگاه با یک شعر تعلیمی فرق دارد. بنابر این به حسب اینکه چه نوع اثری را مورد مطالعه ریخت شناسی قرار می دهیم کار ما متفاوت خواهد بود. همچنین

در این زمینه باید به این نکته توجه داشت که ریخت شناسی داستان و ادبیات داستانی که بیشتر مورد توجه بوده و آثار بیشتری را نیز در کارنامه دارد با موارد دیگر تفاوت های اساسی دارد که از موضوع ما خارج است. نکته کلی قابل ذکر دیگر، طبقه بندی درست و متناسب با نوع اثر است که هرچه طبقه بندی اجزاء یک اثر یا مجموعه ای از آثار دقیق تر و کامل تر صورت گیرد، امکان نتیجه گیری و بهره یابی از پژوهش ریخت شناسی بیشتر خواهد بود. این نکته مبرهن و روشن است که عناصر یک اثر ادبی در رابطه با گوینده و شنونده، و یا نویسنده و خواننده، همواره سمت و سوی اثرگذاری و تفهیم خواهد داشت. آنچه اهمیت دارد این است که نویسنده یا سراینده چگونه، چه عنصر یا عناصری را برای بازگویی چگونه مضمونی یا توصیفی انجام چگونه عملی و بالأخره انتقال چه پیامی به کار گرفته است. ریخت شناسی قوانین حاکم بر عناصر و اجزاء آثار ادبی، روابط متقابل و پیوندهای میان آن عناصر و در نهایت جهت گیری ها و آرمان های آنها را مورد بررسی و تحقیق قرار می دهد. پیداست که این شیوه نقد ادبی به اثر به عنوان مجموعه ای انداموار^۱ می نگرد که هر کدام از اجزاء آن وظیفه ای مشخص را انجام می دهند و در عین حال در زشت و زیبای سرنوشت یکدیگر تأثیر انکارناپذیر خواهند داشت، از این رو نه تنها تجزیه اثر، موجب غفلت از کلیت ترکیبی آن نخواهد شد، بلکه این نگاه تفصیلی و جزء به جزء در فرجام، امکان امعان نظر او را در تمامیت اثر بیشتر و بهتر فراهم خواهد آورد. (نک. همان: ۸).

به کار گرفتن فن ریخت شناسی در همه گونه های ادبی به یک اندازه میسر نیست. این شیوه را بیشتر در آثاری که عناصر و اجزاء مفصل و منفصل و قابل تفکیک از یکدیگر دارند می توان اعمال کرد و در تحقیقات مربوط به ادب حماسی و نمایشی و به طور کلی ادبیات داستانی می تواند ما را به نتایج مطلوب برساند. به هر صورت این شیوه نقد ادبی می تواند ما را به کشف همسانی ها و هماهنگی ها در چهره گوناگونی ها و ناهم رنگی ها توانا کند. چه بسا که تنها وجود درون مایه مشترک میان دو اثر، به مدد این شیوه، ما را به آبخشور مشترک آنها رهنمون شود.

1. Organic

فصل اول

کلیات مسأله مورد پژوهش

۱-۱ شرح و بیان مسأله

همانطور که در دیباچه اثر بیان گردید رساله حاضر می‌کوشد تا ابعاد حماسی اشعار دو شاعر معاصر؛ یعنی «حمید سبزواری» و «علی موسوی گرمارودی» را از منظر ریخت‌شناسی جهت ایجاد سرعت در انتقال مضامین و مفاهیم نهاده شاعر در بافت سخن مورد بررسی قرار دهد. اصطلاح ریخت‌شناسی به معنی توصیف سخن (اعم از نظم و نثر در انواع مختلف) است بر اساس واحدهای تشکیل‌دهنده آنها و مناسبات این واحدها با یکدیگر و با کل سخن. اولین کسی که این شیوه را درباره آثار ادبی (بویژه داستان) مطرح کرد، «ولادیمیر پراپ» بود که ساختارگرایان از تحلیل‌های او برای تحلیل انواع دیگر سخن و بویژه کشف قوانین کلی داستان‌سرایی الهام گرفتند. همچنین شیوه پراپ در ریخت‌شناسی و تجزیه و تحلیل سخن ادبی می‌تواند الگویی برای تعیین بافت و ساخت شعر، خصوصاً شعر حماسی باشد. ریخت‌شناسی شعر شیوه‌ای است که جایگاه عناصر مختلف شعری و مفاهیم و بنیادهای مؤثر در به وجود آوردن درون‌مایه شعر را دنبال می‌کند. در حقیقت این شیوه در این کارکرد عبارت است از بررسی طرح و بنای کلی یک اثر شعری از لحاظ اجزاء سازنده آن. به عبارتی بهتر، ریخت‌شناسی شعر، توصیف شعر است بر پایه مصالح و موادی که ساخت و ترکیب شعر را به دست می‌دهند و نمایش همبستگی این سازه‌ها با هم و با کلیت شعر. در واقع آن چیزی که به یک اثر ادبی زیبایی و جلوه می‌بخشد، واحدهایی است که آن اثر را پدید آورده است و در صورتی که این عناصر با نظمی خاص و شیوه‌ای بدیع در کنار هم قرار گرفته و نقش خود را به خوبی ایفا نمایند، ریخت و شکل آن اثر ادبی پر محتوا، جذاب و شیرین می‌نماید. بنابر این برای خلق چنین آثاری آشنایی با مبحث ریخت‌شناسی ضروری است

به ویژه در مورد شعر حماسی معاصر، شناخت اجزاء و عناصر آن لازم است تا بتوان علل اثرگذاری این نوع شعر را نمایان کرد.

تحقیق حاضر نیز در پی همین هدف است؛ یعنی تجزیه و تحلیل اشعار حماسی با فرم کهنه و نو ادبیات جنگ و پایداری که با مفاهیم و مضامین و ساخت تازه ای پا به عرصه وجود نهاده است. شعر پایداری و مقاومت هنری پویا و متعالی است که در ۲۵ سال گذشته به ادبیات معاصر وجهه و آبرویی درخور بخشیده و حاصل یک نسل تلاش فزاینده و هدفمند شاعران متعهد در گریز از هواهای تاریک خودپرستی، رخوت پذیری و ناهنجاری ها و پرداختن به جلوه های تابناک جان های برافروخته و صیقل یافته انسان های پاکبخته ای است که به درک مفاهیم عشق نایل آمده اند، مردانی که با پشت کردن به تمتعات دنیوی، راه رسیدن به قله های سرفرازی و شرف را با اینار جان هموار کرده اند. حماسه هایی که در کنار یک واقعیت ملموس تاریخی و به مفهوم روشن تر در میدان جنگ تولد یافته و موجودیت با اقتدار خویش را تثبیت کرده است و علاوه بر دارا بودن عناصر ماهوی شعر، مثل حس آمیزی، خیال، تصویر، پیام و... که لازمه هر شعر تکامل یافته ای می باشد در جریان مداوم خود در بستر اندیشه، حرکت و تکامل می کوشد با استفاده از کلیه عناصر زمانی و بهره مندی از آرایه های شاعرانه، با هشدار آگاهانه به جهان و بازگو نمودن دلآوری ها و فضیلت ها و حماسه های جنگ آوران در طول چند سال نبرد، آن جوشش های توفنده و ستم برانداز را فریاد کند و حماسه آنها را در گوش لحظه هایی که با شتاب تمام از آن عرصه ها فاصله می گیرند و دور می شوند طنین انداز گرداند. بدین وسیله می توان جایگاه معانی، اندیشه ها، صور خیال و گستره آنها را در این گونه جدید ادبیات بازجست. اگرچه عمر شعر و کلاً ادبیات نوین فارسی هنوز به یک قرن نرسیده است و این زمان در مقام مقایسه با شعر قدیم که سده های بسیار بر آن گذشته است، چندان وزنی ندارد، اما حاصل همین عمر کوتاه هم، چه به لحاظ صورت و چه از نظر تحول درون مایه و معنی، تجربه ای غنی و پر بار بوده است. بی تردید یکی از مهم ترین علل این تحول سریع و شگرف، دگرگونی و تغییراتی است که در عرصه حیات اجتماعی و فرهنگی و سیاسی جهان حادث شده است. داد و ستدهای فرهنگی شتاب بسیار یافته است و سیطره اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی که روز به روز ابعاد تازه ای می یابد، جغرافیای فرهنگی ما را هم دستخوش دگرگونی کرده است. اما موضوع اصلی ما ریخت شناسی شعر و ادبیات جنگ است، اشعار حماسی دو تن از نامداران این عرصه؛ یعنی حمید سبزواری و علی موسوی گرمارودی که حاصل نگاه و اندیشه ای زلال در حوزه فرهنگ سرخ شهادت و پایداری است و چون آینه ای روشن و پاک تجلی گر حماسه ها و جانفشانی ها و رشادت هاست، آثار این دو شاعر، بویژه در نوع حماسه، به گونه ای است که در همه آنها احساس ذاتی و نیروی اندیشه وجود دارد؛ گویا گوینده می کوشد تا عناصر جمال شناسانه را به تفکر اندیشمندانه

پیوند زند. گرچه باید توجه داشته باشیم که به گفته بسیاری از صاحب نظران جاذبه اثر ادبی ابداً متوجه ادراک آگاهانه نیست بلکه متوجه شهود و درک مستقیم است و آن اثر در قلمرو تفکر حضور ندارد، بلکه در احساس باطنی حاضر است، از این رو همیشه ما را به شگفتی وامی دارد و مواجهه ما با آن شگفتی یا به عبارت بهتر «تأثر» و آگاهی ما از حضور آن، کار خود را می کند و تأثیر پایدار خود را در ما ایجاد می کند.

به رغم اینکه شاید از موضوع خارج شویم و یا قدری زودتر به این مطلب پردازیم، ولی از گفتن این نکته در اینجا نیز ناگزیریم که یکی از کارهای اصلی دو شاعر مزبور، توجه به امور وجدانی و درونیات خویش و بروز دادن احساس باطنی و حالات روحی یا نوشتن حسب حال و معترفات خویش است.

آنها می کوشند تا مجموعه ای از تجربیات و حالات درونی خویش در برخورد با مسائل و موضوعات خارجی را در قالب عبارات و کلمات بیرون بریزند و به اندیشه و آگاهی ربط دهند، به ویژه هنگامی که با نفوذ در سطح و ژرف و عبور از صورت و معنی خود در عمق حقایق نظر کنند و به ورای مظاهر بیرونی حقایق و وقایع صعود کنند و شعر خود را نماد و نشانه ای قرار دهند از آن حقایق و راز و رمزهای تو در توی درونی و بیرونی. در حقیقت کار ایشان بازآفرینی واقعیات درونی و عدول از نوعی اشراق فراطبیعی به جهان طبیعی است. در تبیین این اظهارات باید بگوییم که اصولاً هر هنرمند به طور اعم و هر شاعر به طور اخص در همه عمر تنها یک اثر ایجاد می کند و دیگر آثار او همه تقلید و تکرار همان یک اثر اوست؛ از این رو محتوای شعر هر شاعر در نهایت از یک جریان اندیشگی خاص سرچشمه می گیرد که اعتبار این اندیشه به توانایی انتظام و انسجام و چگونگی ساخت پرداخت اشعار بستگی دارد و همین توانایی است که معیار تعیین ارزش می گردد. ریخت و ساختی که اصل اصل ها و ضامن بقا و حاصل جوشش و کوشش شاعران در کالبد بخشیدن به جوهر شعر و درون مایه اشعار آنهاست و ما از نحوه بیان این درون مایه هاست که به میزان دانایی و توانایی در زبان و شگردهای آن و استعداد طرح افکندن و شکل بخشیدن و در نتیجه به استواری استخوان بندی و استحکام و انسجام کلام هر شاعر پی می بریم و این همه، تنها در نوترین پیوندهای زبان و مفاهیم تازه است که شعر کامل، خود را نشان می دهد و چون اینگونه است، بدیهی است که به صرف محتوا، هر چند متعالی و والا، برای هر شعر ارزش هنری نمی توان تعیین کرد. (نک. حقوقی، ۱۳۸۴، ج ۱: ۱۴).

پس آنچه وجهه همت این رساله است بررسی ساخت و ریخت اشعار حماسی دو شاعر و در نهایت کمک به درک و دریافت احسن از مقاصدی است که گوینده و شاعر در لابه لای واژگان منتخب خود به ودیعه نهاده است. در واقع این رساله می کوشد همه ابزار یاد شده در این قسمت را برای تجزیه و تحلیل بافت سخن «حمید سبزواری» و «موسوی گرمارودی» به کار گیرد تا وجوه امتیاز احتمالی و یا گاه صرف اثرگذاری آنها را به

شکلی مدون بازنماید. موجب اطالۀ سخن نخواهد بود اگر اندکی نیز دربارهٔ برخی ویژگی‌های شعر دو شاعریان شود تا براعت استهلالی باشد برای اصل سخن و شالودهٔ این پژوهش.

شعر سبزواری شعر دربار و میخانه نیست، بلکه شعر صحنهٔ جنگ و جهاد و سیاست و انقلاب و جهان بینی است. شعری پر از جوش و خروش و شور و حرارت و تهور و بی پروایی. در سراسر شعر او ایمان و بیداری، شهامت و چیره طبعی، پایداری و سلحشوری، حق گویی و ظلم ستیزی موج می زند. در شعر او سخنانی بس بلند و فاخر و شورانگیز یافت می شود که حکایت از قوت طبع و صفای قریحه و مهارت شاعر دارد. (نک. شاهرخی، ۱۳۶۷: ۱۴).

اما گرمارودی شاعر نوگرایی معاصر فخامت زبان ادیبانه را با بیان عامه درآمیخت و نگرش عامه به جهان را نیز به این آمیختگی در افزود و حاصل آن شعری شد که بیش از چهار دهه نوآمدگان شعر معاصر را مجاب می کرد که به آن نظر کنند و از آن بیاموزند و آن را به کار گیرند. او که میراث دار شعر سیاسی دههٔ ۶۰ است، تنها شاعری است از خیل شاعران سیاسی آن دوره که به تشخیص زبانی نسبتاً بالایی دست یافت و اکنون اگر مصراعی از او در جایی خوانده شود، آن مصراع شناسنامهٔ اوست. (نک. سلحشور، ۱۳۸۶).

۱-۲ کلید واژه ها

۱. ریخت شناسی^۱: «بررسی و شناخت ریخت‌ها، توصیف حکایت‌ها بر اساس واحدهای تشکیل دهندهٔ آنها و مناسبات این واحدها با یکدیگر و با کل حکایت و تعیین جایگاه عناصر در طرح کلی». (پراپ، ۱۳۶۸: ۱۷)
۲. ساختار^۲: «مجموعه عناصر تشکیل دهندهٔ یک اثر ادبی یا هنری و پیوستگی اجزای آن با یکدیگر». (انوری. «ساختار»). هر اثر ادبی دارای یک اسکلت و استخوان بندی است و شکل یافته از عناصر و ارکانی که نسبت به هم و نسبت به کل ساختار، وضعیت مشخص و متفاوتی دارند. در حقیقت این ساختار مانند یک رشته است، بی آنکه در چشم آید، دانه‌های مروارید را کنار هم می چیند و سامان می بخشد. شناخت هر اثر منوط به آن است که به طور همزمان از عناصر، قوانین و مناسبات ساختار آن آگاهی کافی داشته باشیم. (نک. محمدی، ۱۳۷۸: ۶۰) تئودورف، به عنوان یکی از ساختارگرایان برجسته، ساختار اثر ادبی را چنین توصیف می کند: «کمترین دسیسهٔ کامل عبارت است از انتقال از یک حالت پایدار به حالت پایدار دیگر». (بالایی، ۱۳۶۶/۱۹۴۹: ۲۷۱).

1. Morphology
2. Structure

بر این اساس، هر اثر ادبی دارای یک نقطه شروع و یک نقطه پایان است و به عبارت بهتر؛ یک درآمد و یک فرود و آنچه در میانه این هرم قرار می‌گیرد اوج است.

۳. ساختار گرای: «بررسی روابط متقابل میان اجزای سازنده یک شیء یا موضوع فولکلوریک». (پراپ، ۱۳۶۸: ۷)

۴. شعر حماسی: «شعری است روایی و طولانی که معمولاً بر شرح احوال و اعمال خارق العاده قهرمانی متمرکز می‌شود و با حوادث مهم غیر معمول که غالباً به سرنوشت یک قبیله یا ملت و گاه به طور کلی نژاد بشری مربوط است سر و کار دارد». (میرصادقی، ۱۳۷۶: ۹۵)

۵. زبان: در اثر ادبی، نوع خاص کاربری واژگان است و نیز، مشخصه بارز نویسنده و بیانگر قدرت او در روایت سخن است و خود به دو گونه هنری و کاربردی تقسیم می‌شود. (نک. داد، ۱۳۸۲: ۲۶۱)

۶. لحن کلی و شایع نویسنده: عبارت از فضایی است که شاعر و گوینده برای زبان و کلام ایجاد می‌کند و عناصر تابع آن می‌شوند و آن را از متن عمومی اثر به عاریت می‌گیرند. (نک. براهنی، ۱۳۶۲: ۳۵۴)

۷. حمید سبزواری: نامش حسین فرزند مرحوم عبدالوهاب، شهرتش ممتحنی و تخلصش حمید و ولادتش ۱۳۰۴ و زادگاهش سبزواری است. او پس از اتمام دوره تحصیل به خدمت آموزش و پرورش در آمد، اما به دلیل مبارزاتش با نظام حاکم وقت از آموزش و پرورش اخراج شد، چندی متواری و سرگردان بود، سرانجام در بانک بازرگانی مشغول به کار شد و پس از انقلاب بنا بر درخواست خودش از خدمت بانک برکنار شد و یکسره به کارهای ادبی روی آورد. (نک. سبزواری، ۱۳۶۷: ۱۱)

۸. موسوی گرمارودی: علی موسوی گرمارودی متولد ۱۳۲۰ در شهر قم از شاعران نامدار دهه ۶۰ است که در دو زمینه نو و سنتی شعر گفته و به دلیل وجوه آیینی آثارش توانسته است پس از انقلاب به یکی از بنیانگذاران شعر انقلاب تبدیل شود. شعرهای او پس از انقلاب، هم در وجه آیینی و هم در وجه پرداختن به حوادث جنگ، همواره از شعرهای مورد توجه دیگر شعرا و عامه علاقمندان به شعر بوده است که در این زمینه از او بسیار اثر پذیرفته اند. او و شعرش پیشنهادی تازه برای شعر سپید پارسی بوده اند که گمان می‌رفت عمر آن دیری نپاید. (خرمشاهی، ۱۳۶۳: ۲۷)

-
1. Structuralism
 2. Epic verse
 3. Language

۱-۳ اهداف پژوهش

۱. آشکار نمودن عناصر و اجزاء تشکیل دهنده شعر حماسی معاصر.
۲. بررسی پیوند عناصر ریخت ساز شعر حماسی معاصر با یکدیگر و نتیجه حاصل از آن.
۳. بررسی ریخت شناسانه شعر حماسی معاصر.
۴. شناسایی عناصر جدید حماسه ساز در شعر دو شاعر مورد بحث.

۱-۴ فرضیات و پرسش ها

۱. شعر معاصر از نظر ریخت شناسی با شعر حماسی کهن تناسباتی دارد.
۲. شعر حماسی معاصر از آثاری همچون شاهنامه و... اثر پذیرفته است.
۳. نگرش شعرای معاصر و به طور خاص حمید سبزواری و علی موسوی گرمارودی به شعر حماسی چگونه است؟
۴. عناصر تازه حماسه ساز در شعر پس از انقلاب چیست؟

۱-۵ پیشینه تحقیق

بحث ریخت شناسی، شاخه تازه ای از مباحث نقد ادبی است که در کنار دیگر شاخه ها مثل هرمنوتیک و زیبایی شناسی سابقه چندان نادارد. البته از پیشینیان در مباحث نقد و فن شعر و سخن ادبی به صورت پراکنده و نامنسجم اشاره هایی در دست هست که به مقوله شکل و ساخت پرداخته اند، اما نه به صورت مدون و سازمان یافته امروزی، خاصه که نمونه های به کار گرفته شده ای نیز در دو نوع نظم و نثر ادبی [و در انواع و تیپ ها و ژانرها] در دست هست که اگرچه بیشتر مربوط به آثار کهن ادبیات فارسی هستند، ولی به هر روی راهگشای کسانی است که مانند نگارنده قصد تعمیم و تکثیر این شیوه نقد را در آثار ادبی دوره معاصر دارند. اما در مورد نمونه مورد بحث رساله حاضر باید بگوییم که ریخت شناسی شعر پیشینه چندان نادارد و تقریباً می توان گفت شیوه ای تازه است. اگرچه نمونه هایی مثل کتاب های «از رنگ گل تا رنج خار»، نوشته قدمعلی سرامی، «تحلیل ساختاری منطق الطیر» و «تحلیل ساخت روایی مثنوی مولوی»، نوشته اکبر اخلاقی، «شکل شناسی داستان های گرشاسپ نامه»، نوشته عباسعلی ابراهیمی مهر، «چهار گزارش از تذکره الاولیاء عطار»، نوشته بابک احمدی، «ریخت و درون مایه داستان» نوشته غلام محمد طاهری مبارکه و ... در دست هست، ولی همانطور که گفته شد بیشتر، بلکه تماماً آثار ادبیات کلاسیک را در بر می گیرد و تعداد آثار نوشته شده برای ادب معاصر، چه شعر و چه